

فساد آکادمیک، ساختار یا عاملیت: تاملی بر دیدگاه متخصصان و پژوهشگران این حوزه در ایران

❖ جمال سلیمی^{*۱} ❖ کوستان محمدیان شریف^۲

صفحه: ۸۴-۱۱۲

چکیده

هدف: با توجه به نقش و عملکرد درست مهم دانشگاه‌ها در جامعه، هدف این پژوهش این است تا با رویکردی تفسیرگرایانه ریشه‌های ساختاری وقوع فساد آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران از دیدگاه صاحب‌نظران و اساتید واکاوی کند.

روش: رویکرد پژوهشی بکار برده شده در این پژوهش کیفی می‌باشد و از روش روش نظریه داده بنیاد مینی بر طرح نوظهور^۳ (Emerging Design) برای انجام عملیات پژوهش استفاده شد. داده‌های این پژوهش با استفاده از روش مصاحبه باز جمعآوری شد. روش نمونه‌گیری بکار رفته در این پژوهش از نوع روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی می‌باشد و با استفاده از شاخص اشباع نظری تعداد ۱۵ نفر از اساتید و صاحب‌نظران به عنوان جامعه مورد پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفتند. نگرش و دیدگاه آنها نسبت به چگونگی وقوع فساد آکادمیک در آموزش عالی ایران مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری از یافته‌های پژوهش از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. یافته‌های اصلی این پژوهش با استفاده از نظریه زمینه‌ای شامل ریشه‌های ساختاری همچون ریشه‌های اقتصادی، مدیریتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بود. و در آخر با استفاده از یافته‌های پژوهش، مدلی تحت عنوان مدل عوامل ساختاری وقوع فساد آکادمیک ارائه گردید.

واژگان کلیدی: فساد آکادمیک – آموزش عالی

■ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶

■ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

۱. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

۲. دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

^۳- Emerging Design

مقدمه

لازم است ذکر شود که معنا کردن فساد و تعیین یک معنی مشخص برای این کلمه سخت و دشوار است همان‌طور که کلر^۱ (۱۹۷۸ ص ۷) اشاره می‌کند که کلمه فساد به‌خودی‌خود می‌تواند تعاریف متفاوتی را در فرهنگ لغت اکسفورد به خود اختصاص دهد و این باعث شده است که معنای واقعی و روشنی از فساد نداشته باشیم. برای بعضی از مردم کلمه فساد مفهوم هنجاری و قانونی دارد و آن‌ها اشاره می‌کنند که هرگونه تخطی از هنجارها و قانون‌ها و اخلاقیات که به نفع خود یا گروهی باشد فساد است. به نظر می‌رسد اولین بار سنتوریا^۲ (۱۹۳۱) تعریف معروف از فساد "سوءاستفاده از قدرت دولتی برای منافع شخصی" را مطرح کرد. اساس این تعریف مبتنی بر مفهوم فساد به عنوان یک رفتار منحرف است. این تعریف که بارها و بارها نقل قول شده است، با توجه به موجز و مناسب بودنش، جذاب به نظر می‌رسد: فساد به همراه سه واژه می‌آید که عبارت‌اند از: قدرت دولتی، منفعت شخصی و سوء استفاده. از این رو، تعریف سنتوریا^۳ به نظر می‌رسد که به طور جامعی برای فساد کاربرد داشته باشد (به نقل از حسینی هاشم زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۹).

فساد به‌طور عام و فساد آکادمیک به‌طور خاص، همواره در بردارنده آثار و پی‌آمدهای نگران‌کننده‌ای هم برای سازمان مربوطه و هم برای جامعه دارد و ساختارها و نهادهای عدیده‌ای از آثار و پی‌آمدهای آن متضرر می‌شوند. به گونه‌ای که نه تنها فساد، باعث کاهش کیفیت، برابری و دسترسی در آموزش عالی می‌شود بلکه بازده‌های اقتصادی جامع و ظرفیت‌های فرهنگی آن را نیز کاهش می‌دهد. بنابراین، عدم توجه به رشد روزافزون این پدیده می‌تواند به تداوم این آثار ولو در بعدی گسترده‌تر منجر شود. اعتقاد بر این است که فساد یک پدیده باثبات و پیچیده است که به‌وسیله ساختار نهادهای سیاسی و حقوقی ضعیف، پرورش یافته و یک چرخه معیوب ویرانگر از عدم توسعه انسان را به وجود می‌آورد (دونگ و تارنگر، ۲۰۱۳، دریدی، ۲۰۱۴، او تنهو، ۲۰۱۶).

ساختارهای ضعیف منجر به نفوذ فساد به نظام آموزش عالی شده و از آنجا که یکی از کارکردهای مهم دانشگاه، آموزش هدفمند در جهت چگونگی رفتار در آینده است فساد این نهاد، در نهایت موجب فساد

^۱. Keller

^۲. Santoria

^۳. Santoria

شهروندان در آینده می شود (هینمن، ۲۰۱۱). این نوع فساد بدان دلیل که اعتماد عمومی را در یکی از مهم ترین نهادهای جامعه تضعیف می کند، بسیار مخرب است (دنيسووا اشمیت و همکاران، ۲۰۱۶).

و سبب یک تعامل معیوب بین ساختارها و نهادهای جامعه می شود که نتیجه ی جز سیستمی شدن فساد را در پی نخواهد داشت. و اکاویدن مسئله وقوع فساد از آن رو اهمیت بسزایی پیدا می کند که گزارش سازمان شفافیت بین المللی نشان از آمار شگفت انگیز فساد در کشورهای مختلف از جمله ایران دارد. شایان ذکر است که ایران در شاخص فساد، در بین ۱۸۰ کشور مطالعه شده، رتبه ۱۳۰ را به دست آورده است.^۱ همچنین در نظرسنجی که در سال ۲۰۰۱ توسط بانک جهانی انجام شد از بین ۱۶۰ کشور روسیه رتبه ۱۴۲ را به دست آورد و همچنین بر اساس آمار شاخص های فساد از بین ۱۰۲ کشور، روسیه رتبه ۷۱ را کسب کرد همچنین شایان ذکر است در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۲ این کشور به ترتیب رتبه های ۱۲۱ و ۱۳۳ را کسب نمود.

این آمار نشان دهنده این است که افزایش بخش خصوصی در آموزش عالی موجب افزایش فساد می شود و این یک عامل مهم در گسترش فساد است (اوسپیان، ۲۰۱۳). شایان ذکر است که فساد فقط محدود به کشورهای در حال توسعه و یا در حال گذار نمی باشد. بیش و کم کشورهای توسعه یافته نیز درگیر فساد می شوند. برای مثال گزارش سازمان شفافیت بین المللی^۲ در سال ۲۰۰۶ حاکی از آن بوده است که کشور آمریکا بیستین کشور شفاف دنیا است (کشورهای مختلف در سازمان شفافیت بین المللی از نمره ۱ تا ۱۰، نمره گذاری می شود به طوری که هر چه میزان شفافیت این کشورها بیشتر باشد به نمره ۱۰ نزدیک تر می شوند و به این ترتیب میزان فساد آن ها کمتر است اما هر چه این نمره به ۱ نزدیک تر شود نشان از غیر شفاف بودن سازوکارهای سازمانی و اقتصادی و مدیریتی است در نتیجه میزان فساد در سطح بالایی قرار دارد) و نمره به دست آمده ۷/۳ می باشد در حالی که این کشور در سال ۲۰۰۵ رتبه ۱۷ را داشت و نمره شفافیت این کشور ۷/۶ بود. سایر کشورهای توسعه یافته نیز چنین وضعیتی را داشته اند. برای مثال ژاپن در سال ۲۰۰۵ رتبه ۱۷ را داشته است و نمره شفافیت آن ۷/۶ بوده است، آلمان رتبه ۱۸ را داشته است و کشوری مثل شیلی هم رتبه ۲۰ را داشته است.

^۱. <https://www.transparency.org/country/IRN>.

^۲. National Transparency

در مجموع می‌توان اذعان داشت که کشورهای توسعه‌یافته نیز درگیر فساد می‌شوند اما کمیت و کیفیت فساد در آنجا بسیار متفاوت از کشورهای در حال توسعه می‌باشد. به طوری که میزان فساد اداری و عملی و آکادمیک کشورهای در حال توسعه قابل قیاس با کشورهای توسعه‌یافته نمی‌باشد. علاوه بر این تفاوت کمی، تفاوت‌های کیفی هم به چشم می‌خورد به طوری که در کشورهای توسعه‌یافته فساد علنی و مستقیم اتفاق نمی‌افتد و قابل مشاهده نیست برای مثال ۸۵ درصد از شرکت‌کنندگان نظرسنجی باور داشته‌اند که شرکت‌های تجاری و بازرگانی آمریکای شمالی تحت تأثیر فساد قرار گرفته‌اند. و یا در جای دیگر ۸۹ درصد از آن‌ها بر این باور هستند که فضای سیاسی نیز درگیر فساد شده است.

گزارش‌های خبری رسانه‌ها نیز حاکی از درگیر شدن کشورهای پیشرفته‌ای مانند ایتالیا، ژاپن، انگلیس در فساد آکادمیک بیشتر شده‌اند. برای مثال تقلب در امتحانات، تقلب علمی، دست‌کاری کردن آزمون‌های ورودی دانشگاه و رشوه‌گیری از مواردی است که می‌توان نام برد. اما مسئله این نیست که پاسخ‌دهندگان تجربه روزانه مستقیم از فساد، رشوه‌گیری و سوء رفتار نداشته‌اند به عبارتی نه تنها کمیت فساد به مراتب پایین‌تر است بلکه این مسئله به شکل علنی و واضحی که افراد آن را در تجربه روزانه خود مشاهده کنند نداشته است (اوسپیان، ۲۰۱۳).

در گزارشی از میزان فساد در آموزش عالی می‌توان به کشور روسیه اشاره کرد، روسیه یکی از کشورهای است که در بررسی‌های بین‌المللی ادراک از فساد در حوزه‌های مختلف، به ویژه میزان فساد در نظام آموزشی بسیار زیاد بوده است در سال ۲۰۰۳ تخمین زده شده است که والدین در حدود ۶۶/۵ میلیارد روبل روسیه را به عنوان رشوه‌هایی در ازای تحصیلات فرزندانشان پرداخت کرده‌اند (اوسپیان، ۲۰۰۹).

رشد سریع آموزش عالی در چین، به همراه فشارهایی که در مسابقه رتبه‌بندی دانشگاه‌ها وجود دارد، منجر به ایجاد یک نگرانی فزاینده در ارتباط با صداقت تحقیقات شده است که به طور اصلی بر روی دسته‌بندی معمول از سوء رفتار شامل تحریف^۱، جعل^۲ و سرقت ادبی^۳ متمرکز است. به هر حال، عدم صداقت و فساد علمی در تحقیقات در چین، نیازمند درک هنجارهای فرهنگی است که در برگیرنده ساختار روابط و میزان

¹ falsification

² fabrication

³ plagiarism

حسن نیت و احترام برای استقلال می‌باشد. همچنین حکمرانی ضعیف دانشگاهیان و فقر جامعه‌پذیری دانشگاهی نیز به وضعیت مشکل فعلی بی‌صدافتی در تحقیقات و فساد علمی کنونی چین دامن زده است. فساد علمی در تحقیقات و پژوهش‌های چین را با اشاره به گسترش سریع سیستم آموزش عالی در ۱۵ سال اخیر در این کشور، قابل درک است. طبق آماری که وزارت آموزش و پرورش چین در سال ۲۰۱۴ منتشر کرده است، تعداد ۱۱۴۵ دانشگاه و ۱۰۱۳۹۵۷ اعضای هیأت علمی در چین وجود دارد. تمایل کشور چین به رقابت در عرصه جهانی به عنوان یک تولید کننده بزرگ دانش، همچنین موقعیت در حال ظهور آن به عنوان یک ابر قدرت اقتصادی، منجر شد که این کشور هزینه تحقیق و توسعه خود را از سال ۱۹۹۵ تا سه برابر افزایش دهد که به واسطه آن خروجی پژوهش چین از سال ۲۰۰۰ به ۶ برابر افزایش یافت. لذا این پیشینه باعث نگرانی‌های فزاینده در مورد استانداردهای کیفیت تحقیقات گشته است. چنین نگرانی‌هایی در زمینه‌های علمی بین‌المللی به وسیله مجلاتی چون نیچر^۱، ساینس^۲ و لنست^۳ برجسته شده است. با توجه به موارد گفته شده در بالا، پیگیری پدیده فساد علمی در دانشگاه‌های چین نیاز به درک چارچوب‌ها و ساختارها دارد. بستر فرهنگی و نهادی، قوانین اجتماعی را جهت شکل دادن به اقدامات اجتماعی افراد آکادمیک، به وجود آورده‌اند که فراتر از قدرت و فرهنگ آکادمیک و علمی است. اگر چه عاملت فردی دانشگاهیان در پرهیز از فساد علمی انکارناپذیر است، اما زمینه‌های ساختاری را نباید دست کم گرفت (چن و مک فارلن^۴، ۲۰۱۵).

توجه به این که پدیده‌های اجتماعی شایع و گسترده را می‌توان در نگاه کلان و ساختاری تبیین کرد و فساد هم به عنوان یک پدیده اجتماعی شایع از این قاعده مستثنی نیست، زمانی که فساد شیوع گسترده‌تری پیدا کرد و بیش و کم به پدیده همه گیر و اپیدمی تبدیل شد. دیگر نمی‌توان به نظام شخصیتی فرد توجه داشت بلکه باید ویژگی‌ها و نیازمندی‌های آن ساختار را ملاحظه کرد تا متوجه شد که فساد چرا و چگونه اتفاق می‌افتد. بی دلیل نیست که چن و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که پدیده فساد علمی در دانشگاه‌ها نیاز به درک چارچوب‌ها و ساختارها دارد. اگر چه عاملت فردی دانشگاهیان در پرهیز از فساد

¹ Nature² Science³ Lancet⁴ Chen & Macfarlane

علمی انکارناپذیر است، اما زمینه‌های ساختاری را نباید دست کم گرفت (چن و مک فارلن^۱، ۲۰۱۵). حال با نگاهی به داده‌های سازمان شفافیت بین‌المللی طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ دریافت که فساد در مجموع که شامل فساد دانشگاهی می‌شود در ایران به پدیده شایع و گسترده‌ای تبدیل شده است و بنابراین لازم است ساختارهای که زمینه این خوی اجتماعی شده‌اند واکاوی و شناسایی شوند. علیرغم تمامی این مباحث، پژوهشی جدی در شناسایی و کشف ریشه‌های ساختاری فساد و نوع این ساختارها در وقوع فساد انجام نشده است. بر همین اساس پژوهش حاضر به دنبال این است که ریشه‌های ساختاری فساد آکادمیک را در آموزش عالی مورد واکاوی و کنکاش قرار دهد باشد که با شناخت این زمینه‌های ساختاری در جهت بهبود عملکرد آموزش عالی مسئولین و سیاست‌گذاران آموزش عالی گامی بردارند.

چارچوب مفهومی پژوهش

باور روانشناسان ساختارگرا بر این است که سوء رفتار یا فساد پدیده‌ای اجتماعی است که در بافت‌های گوناگون، شکل‌ها، کیفیت‌ها و انواع گوناگونی نمود پیدا می‌کند. بخش‌های از این بافت، بافت اجتماعی است که زمینه بروز سوء رفتار را فراهم می‌کند در سطح کلان، تبیین‌های سوء رفتار کلیت جامعه، بافت اجتماعی، بافت فرهنگی، بافت سیاسی و اقتصادی مطرحیت پیدا می‌کند. در واقع این کلان‌ترین سطح تحلیل فساد است چرا که سطح فردی و سطح سازمانی همگی در دل تفاوت‌های اجتماعی رقم می‌خورند. بر همین اساس است که روانشناسان اجتماعی نیز معتقدند که بسیاری از فسادها و سوء رفتارها و آسیب‌های اجتماعی اگر چه ممکن است ریشه ذاتی و فردی داشته باشند اما بسترهای اجتماعی اجازه می‌دهد که آن سوء رفتارها به منصفه ظهور برسند. در این باره نظریه‌های گوناگونی همانند نظریه‌های کارکردگرایی، برچسب‌زنی، انتقادی، کنترل و نظریه هزینه فایده مطرح شده است که تلاش دارند کج‌روی و فساد را در کلان‌ترین سطح خود مورد مطالعه قرار دهند و تبیین کنند.

نظریه‌های کارکردگرا فساد و سوء رفتار را ناشی از تنش‌های ساختاری و نبود نظم و تربیت اخلاقی در جامعه می‌دانند. به اعتقاد آنها اگر آرزوها و خواسته‌های افراد و گروه‌های جامعه با مواهب و پاداش‌های موجود تطابق نداشته باشد، این اختلاف میان آرزوها و تحقق آرزوها به محرک و انگیزه‌ای برای کج‌روی

¹ Chen & Macfarlane

برخی از اعضای جامعه مبدل خواهد شد. در این رابطه دور کیم در نظریه آنومی خود به تبیین فساد از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخت او درباره رابطه میان انسان و نیازها و آرزوهایش بحث می‌کند و بر این باور است که در شرایط اجتماعی استوار و پایدار، آرزوهای انسان از طریق هنجارها، تنظیم و محدود می‌شود و با ازهم‌پاشیدگی هنجارها (و لذا از بین رفتن کنترل آرزوها) یک وضعیت آرزوهای بی‌حد و حصر یا آنومی^۱ بوجود می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی‌حد و حصر، نمی‌توانند ارضا شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی پدید می‌آید. سپس این نارضایتی، در جریان‌های اقدامات منفی نظیر اختلاس، رشوه‌گیری، دزدی، تبار گماری.... ظاهر می‌گردد (ستوده، ۱۳۹۶). رابرت مرتن^۲ در نظریه فشار ساختاری خود رفتارهای انحرافی یا فساد را نتیجه فشارهای جامعه می‌داند که بعضی مردم را وادار به کج‌روی می‌کند. نظریه فشار ساختاری، مرتن بر این باور است که انحراف و فساد برای این پیش می‌آید که جامعه دستیابی به برخی هدف‌ها، را تشویق می‌کند؛ ولی وسایل ضروری برای رسیدن به این هدف‌ها را در اختیار همه اعضای جامعه قرار نمی‌دهند. در نتیجه، برخی افراد یا باید هدف‌های خاصی برای خود برگزینند و یا برای رسیدن به هدف‌های که فرهنگ جامعه‌شان تجویز کرده است، باید دست به فساد بزنند. برخی از جامعه‌شناسان بر این، عقیده‌اند که شرایط اجتماعی امروز کشورهای در حال توسعه (در حال گذار) از جمله ایران نیز در گذار از یک جامعه سنتی به جامعه مدرن هستند و با فسادهای شدید اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو می‌باشند. با این مفهوم بی‌هنجاری (فشارهای ساختاری) قابل تبیین است (ستوده، ۱۳۹۶). همچنین نظریه کنترل اجتماعی به "ساخت کارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضایش با سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد" به بیان دیگر، کنترل اجتماعی به مجموع عوامل محسوس و نامحسوس که یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و مجموعه موانعی که به قصد جلوگیری افراد از فساد و سوء رفتارهای اجتماعی در راه آنان قرار می‌دهد گفته می‌شود. و بلا غره کنترل اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادینی دانست که در اختیار جامعه قرار دارد و برای حصول اطمینان از همنوایی

۱. جامعه‌شناسان (Anomie) را به وضعیت مغشوش و درهمی می‌گویند که افراد جامعه قادر نباشند بر اساس هنجارهای مشترک با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و نیازهای خود را برطرف سازند.

۲. Robert Merten

رفتاری اعضای خود با اصول و مقرراتی از پیش تعیین شده و مورد تأیید، از آن استفاده می‌کند (ستوده، ۱۳۹۶).

در مجموع نگاه کارکردگرایان منعکس‌کننده این دیدگاه است که ناهماهنگی‌های ساختارهای یک اجتماع می‌تواند زمینه فساد باشد. با این اوصاف فساد آکادمیک از این قاعده مستثنی نیست. به‌طور که ناکارآمدی ساختارهای جامعه و دانشگاه با یکدیگر می‌تواند بستری برای فساد ایجاد کنند. برای مثال زمانی که ساختارهای مدیریتی دانشگاه‌ها مبتنی بر تخصص و شایسته‌سالاری نباشد ممکن است سیاست‌های دانشگاهی نیز غیر تخصص و ناکارآمد اتخاذ شود. به عبارتی تصمیماتی اتخاذ شود که هماهنگ یا واقعیت‌های اجتماعی و علمی دانشگاه‌ها نیست در چنین شرایطی اعضای هیات علمی برای جبران این شکاف ممکن است دست به فساد آکادمیک بزنند.

از بین پژوهش‌هایی که قبلاً در ایران و خارج انجام گرفته است چند پژوهشی است که به علل و زمینه‌های فساد دانشگاهی پرداخته‌اند یکی از این پژوهش‌ها، پژوهش، تأیرنی و صابحاروال (۲۰۱۷) مهم‌ترین دلایل و علل وقوع فساد آکادمیک را در عامل‌های ساختاری دانست. همچنین تورسلو و ونارد (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان داد که مسائل اخلاقی و فردی در وقوع فساد می‌تواند مهم‌ترین عامل فساد باشد. در پژوهشی دیگر هیمان (۲۰۰۴) در مطالعات خود نشان داد که علل و زمینه‌های وقوع فساد را می‌توان در ساختارها دانست. و زمانی و همکاران (۱۳۹۲)، عامل‌های محیطی را در وقوع فساد حساب دانست. در پژوهشی دیگر ناصری و فتحی (۱۳۹۵) مهم‌ترین عامل و علل سرقت علمی را عامل‌های محیطی و فردی دانستند. و همچنین قانیدی و همکاران (۱۳۹۷) از علل و زمینه‌های اصلی وقوع فساد آکادمیک را در رویکرد سیاست‌گذاری در آموزش عالی دانستند. اجاقی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی دیگر به بررسی عامل‌های فساد دانشگاهی پرداختند که در این پژوهش عامل‌های درونی و بیرونی دانشگاه مهم‌ترین عوامل فساد نشان داده شد. پور عزت و همکاران (۱۳۹۱) هم در بررسی شناسایی عوامل اصلی بر فساد دانشگاهی ساختار نامناسب دانشگاهی و ضعف شخصیتی فرد دانشگاهی را نشان دادند. عباسی و همکاران (۱۳۹۴)

مهم‌ترین عامل فساد و سرقت علمی را عامل‌های فردی شناسایی کردند. از مرور یافته‌های پژوهش‌های پیشین می‌توان چند نقد را بررسی کرد. نقد اول این است که درست است که تمامی این پژوهشگران علل

و زمینه‌های فساد آکادمیک را از بعد ساختاری و فردی بررسی کرده‌اند اما این پژوهشگران به ریشه‌های ساختاری و نوع آن نپرداخته‌اند. عوامل ساختاری به آن دسته از عواملی اشاره دارد که علت وقوع فساد هستند و می‌توان آن را به صورت کل حساب کرد. بخش عمده‌ای از فرایندها و رفتارهای منتهی به رفتار غیر علمی و غیر آکادمیک در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در تمام دنیا به ضعف ساختارهایی برمی‌گردد که خود فسادزا هستند و یا به دلیل عدم نظارت و قطعیت و دقت به این امر دامن می‌زنند. که در این تحقیقات همه آنها به کلیت ساختار توجه کرده‌اند و به عامل‌های ساختاری توجه نشده است. نقد دوم پژوهش بر این است که بعضی از پژوهش‌ها به عنوان مثال عباسی و همکاران (۱۳۹۴) تنها علل و وقوع فساد را در عامل‌های فردی بررسی کرده است. اگر نگاهی تأمل برانگیز بر این مسئله داشته باشیم مشخص می‌شود که تفاوت در بافت اجتماعی است که تفاوت در فساد را رقم می‌زند و عوامل فردی نقش کم‌رنگ‌تری را ایفا می‌کنند در این رابطه می‌توان از فشار ساختاری مرتن به نقل از گیدنز (۱۹۳۸) صحبت کرد او در نظریه ساختاری خود بر این باور است که انحراف و فساد برای این پیش می‌آید که جامعه دستیابی به برخی هدف‌ها، را تشویق می‌کند؛ ولی وسایل ضروری برای رسیدن به این هدف‌ها را در اختیار همه اعضای جامعه قرار نمی‌دهند. با این اوصاف پژوهش حاضر به دنبال این مسئله است که ریشه‌های ساختاری فساد آکادمیک را شناسایی کند.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش بر خلاف رویکرد اثبات گرایانه با استفاده از رویکرد تفسیر گرایانه علل و زمینه‌های فساد آکادمیک را از نگاه پژوهشگران به عنوان عوامل اصلی تولید دانش یا شناسی کند. بر اساس دیدگاه تفسیری، واقعیت مشروط به تجربه انسان و تفسیر اوست. انسان از راه تجربه می‌تواند دانش مربوط به واقعیت را در ذهن خود بسازد و پژوهشگر از راه تعامل با موضوع مورد پژوهش، به شناخت آن نایل می‌شود (بازرگان، ۱۳۸۸، ص ۱۸). از آن جای که منبع و مرجع نهایی هر گونه ساخت و ساز و تغییر در واقعیات اجتماعی همان انسان است، پس درک انسان‌ها از واقعیات، تغییر در واقعیات و چگونگی معنا دار کردن آنها بسیار مهم است، به بیان دیگر، این پژوهش با بهره‌گیری از رویکردی امیک و تبیین ایدوگرافیک می‌خواهد علل و زمینه‌های فساد آکادمیک را کشف کند. این پژوهش سعی دارد درک، تفسیر و برداشت

اساتید و صاحب نظران را در چگونگی وقوع فساد آکادمیک در آموزش عالی را مورد توجه قرار دهد و ضمن واکاوی اندیشه آن‌ها، به باز شناسایی علل و زمینه های این فرایند بپردازد (کرسول، ۲۰۱۲). بر همین اساس پژوهش حاضر از روش نظریه داده بنیاد مبنی بر طرح نوظهور^۱ (Emerging Design) استفاده شده است. پژوهش های داده بنیاد یک فرایند روشمند و سیستماتیک و در عین حال کیفی است که تلاش دارد نظریه ای یا مدل نظری ارائه دهد که یک فرایند، تعامل یا کنش اجتماعی را تبیین کند (کرسول، ۲۰۱۲، ص ۴۲۳). یکی از طرح های داده بنیاد طرح های نوظهور هستند این طرح ها نقدی جدی به طرح های سیستماتیک و یا رویکردهای اثبات گرایان دارند. چراکه بر این باور هستند پژوهشگران کیفی باید از دل داده ها خود، تم‌ها، مقوله ها و کدهای باز و محوری را استخراج کنند. این طرح ها به پژوهشگران اجازه می دهد تا بدون محدود کردن دیدگاه خود به طرح های شماتیک از پیش تعیین شده ای، به واکاوی دقیق و ژرف، فرایندها و جریان های مورد مطالعه خود بپردازند. در این پژوهش نیز از آن رو از این طرح استفاده شده است که پیش تر ادعا شده بود که فساد مقوله ای فرهنگی است. و فساد دانشگاهی در هر بافت می تواند شکل و فرایندهای خود را داشته باشد به این ترتیب نمی تواند با تکیه بر طرح های از پیش تعیین شده به کنکاش این پدیده پرداخت. کما این که واضع این طرح گلگیر^۲ بر این باور بود که هدف از پژوهش داده بنیاد صرفاً توصیف مکانیک کدها و مقوله های استخراج شده نیست بلکه پژوهشگر باید بتواند تفسیری روشنگر از آن داده ها ارائه دهد. به این ترتیب در پژوهش حاضر تلاش شد تا نه تنها به جای تکیه صرف بر طرح از پیش تعیین شده از کد گذاری های نوظهور استفاده شود. تا از قبل آن بتوان بیان فساد دانشگاهی را بهتر شناسایی کرد.

جامعه ی آماری این پژوهش با توجه به قلمرو موضوعی آن شامل صاحب نظران و اساتید آموزش عالی ایران هستند. روش نمونه گیری در این پژوهش از نوع نمونه گیری تحقیقات کیفی می باشد و با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی و شاخص اشباع نظری نسبت به نمونه گیری از جامعه پژوهش اقدام شد. به این منظور، با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، چند تن از صاحب نظران و اساتید دانشگاه های ایران شناسایی و مورد مصاحبه قرار گرفتند. نمونه گیری گلوله برفی یک روش نمونه گیری است که

^۱. Emerging Design

^۲. Glaser

واحدهای نمونه نه تنه اطلاعاتی در مورد خودشان بلکه در مورد واحدهای دیگر جامعه نیز ارایه می کنند (استراوس، ۲۰۰۸). در روش گلوله برفی از افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفته بودند خواسته شد سایر افرادی را که در زمینه فساد دانشگاهی متخصص هستند و می توانند اطلاعات بیشتری ارائه بدهند، معرفی کنند و از آنها نیز مصاحبه به عمل آمد. این کار تا زمانی که محقق دریافت که اطلاعات دریافتی تکراری می باشند و به اطلاعات بیشتری نخواهد رسید ادامه پیدا کرد که اصطلاحاً در تحقیقات کیفی به آن شاخص اشباع نظری گفته می شود (گیون، ۲۰۰۸، ص ۳۷۵).

روش جمع آوری اطلاعات، روش مصاحبه عمیق است. در این مطالعه با ۱۵ نفر از پژوهشگران و صاحب نظران و اهل فن مصاحبه انجام شد که از مصاحبه ۱۳ به بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شده است؛ اما برای اطمینان تا مصاحبه پانزدهم ادامه یافت. مصاحبه با طرح سؤالاتی در مورد «چگونگی وقوع فساد در آموزش عالی ایران» آغاز میشد (مصاحبه ی باز) و باقی پرسش ها بر اساس پاسخ های مصاحبه شونده طرح می شد. تمامی مصاحبه ها ضبط و برای استخراج نکات کلیدی چندین بار مورد بررسی قرار گرفتند.

روش تجزیه و تحلیل

پژوهش حاضر بر این است که با استفاده از دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش، زمینه ها و علل فساد آکادمیک در آموزش عالی ایران را بررسی کند. از اینرو، در مرحله کیفی پژوهش و برای استخراج مولفه های که زمینه وقوع فساد آکادمیک می شود یک سوال مطرح شد و از اساتید متخصص و صاحب نظر در حوزه آموزش عالی و علوم تربیتی خواسته شد تا دیدگاه های خود در ارتباط با آن سوال مطرح کنند. شایان ذکر است که پس از پیاده شدن مصاحبه ها و دست یافتن به اشباع نظری داده ها، در ابتدا تمامی مصاحبه با استفاده از کدگذاری باز، کدگذاری شده و سپس بعد از حذف موارد تکراری و همچنین ادغام کدهای مشابه در دسته های کلان تر (کدگذاری محوری)، مقوله های اصلی و تم اصلی پژوهش استخراج و تحلیل شدند. در جدول ۱ و ۲ ابتدا ویژگی های جمعیت شناختی گروه مصاحبه شونده ارائه شده است و در جداول بعدی، کدها، مقوله ها و تم های استخراج شده از پژوهش گزارش می شوند.

جدول ۱: ویژگی های جمعیت شناختی اساتید و متخصصان حوزه آموزش عالی و علوم تربیتی

کد مصاحبه شونده	جنسیت	رشته تحصیلی	مرتبه علمی
۱	زن	مدیریت- سیاست گذاری علم و فناوری	مدرس دانشگاه (پژوهشگر حوزه فساد)
۲	مرد	انسان شناسی اجتماعی	دانشیار (پژوهشگر حوزه فساد)
۳	مرد	پژوهشگر حوزه مطالعات سلامت دانشگاهی و مقابله با فساد	همکاران مرکز پژوهش کاربردی استادیار
۴	مرد	جامعه شناسی	دانشیار (پژوهشگر حوزه فساد)
۵	مرد	جامعه شناسی	دانشیار (پژوهشگر حوزه فساد)
۶	مرد	مدیریت آموزشی	دانشیار (ریس دانشکده)
۷	مرد	علوم سیاسی	استاد تمام (پژوهشگر حوزه فساد)
۸	مرد	روان سنجی	دانشیار (معاونت آموزشی)
۹	مرد	مدیریت منابع انسانی دانشگاه	استاد تمام (ریس انجمن آموزش عالی ایران)
۱۰	زن	برنامه ریزی آموزش عالی	دانشیار
۱۱	مرد	دکترای شیمی	استاد تمام (معاونت آموزشی)
۱۲	مرد	دکترای مدیریت خط مشی گذاری دانشگاه	استاد تمام
۱۳	مرد	دکترای حقوق اسلامی	دانشیار پایه ۳۳
۱۴	مرد	جامعه شناسی	استادیار
۱۵	مرد	جامعه شناسی	دانشیار

به منظور گردآوری داده های پژوهش، از مصاحبه عمیق یا باز استفاده شد. مصاحبه ها به گونه ای بود که مصاحبه شونده با یک سوال کلی و باز در ارتباط با موضوع پژوهش مواجه می شد و بدون هیچگونه محدودیتی، از نظر چارچوب فکری، دیدگاه های خود را بیان می نمود. دلیل استفاده از این نوع مصاحبه آن بود که محقق بتواند بدون محدود کردن دیدگاه های مشارکت کننده ها، جهان بینی ها و تجارب آن ها را بررسی و واکاوی کند که پیشتر به عنوان زیربنای فلسفی تحقیقات کیفی نیز مطرح شد. شایان ذکر است که در جریان مصاحبه ها و با کسب اجازه از مشارکت کننده ها، از ضبط صوت برای ثبت و ضبط داده ها استفاده شد و پس از پیاده شدن، به دست نوشته های متنی تبدیل شدند. برای اعتباریابی داده های کیفی نیز از دو روش استفاده شد: الف) بازخورد مشارکت کننده که به دو صورت انجام شد. اول، در جریان مصاحبه تمامی برداشت های محقق از بیانات و دیدگاه های مصاحبه شونده به مصاحبه شونده داده می شد و از او خواسته میشد صحت یا کج فهمی به وجود آمده را تایید و یا اصلاح کند. دوم و بعد از کدگذاری باز و محوری اولیه داده ها از چند نفر از همان مصاحبه شونده هایی که در پژوهش حاضر شرکت داشتند خواسته شد تا صحت کدها و مقوله های استخراج شده را بازبینی و بررسی کنند. پس از استخراج کدهای باز اولیه، در مجموع، ۲۸۳ کد باز استخراج شدند. در مرحله دوم، فرایند تلخیص و کاهش داده ها تا جایی ادامه پیدا کرد که پژوهشگر به تم ها و مقوله های اساسی پژوهش دست پیدا کرد که آن تم ها می توانست تمامی کدهای استخراج شده را پوشش دهند. آنچه در جدول ۲ ارائه می شود، تم ها و مقوله های اصلی پژوهش می باشند.

جدول ۲: موضوع ها و مقوله های اصلی علل و زمینه های فساد آکادمیک

موضوع اصلی	کدهای محوری		نمونه کدهای استخراج شده
	مقوله های اصلی	مقوله های فرعی	
علل و زمینه های فساد آکادمیک	ساختاری	سیاسی	سیاست قدرت دولت در دانشگاه ها - سیاست گذاری های نادرست در دانشگاه - توده ای شدن آموزش عالی - سیاست کمیت گرایی در آموزش عالی - انواع سیاست گذاری های اشتباه در

		دانشگاه‌ها - گسترش بدون برنامه و بی‌رویه آموزش عالی و تکثر دانشگاه - فقدان استقلال دانشگاه‌ها - سیاست زده شدن دانشگاه‌ها - قوانینی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی در وزارت علوم دانشگاه‌ها - وجود اشکالات مختلف در آیین‌نامه‌ها و سیاست تصمیم‌گیری از بالا - نظام ارزیابی اعضای هیات علمی - تأثیر مخرب مسائل سیاسی و اعمال نفوذ سیاسی در دانشگاه‌ها - غلبه تمرکزگرایی بر کیفیت گرایی - نبودن سیاست‌های توسعه‌گرا - سردرگمی در بین این که چه سیاست‌های توسعه‌گرا و چه سیاست‌های ضد توسعه - سوار شدن معیارهای عقیدتی بر نظام دانشگاهی - به وجود آمدن مفهوم زد و بند به جای نقد و بررسی - به وجود آمدن حلقه‌های قدرت - به وجود آمدن حلقه‌های ثروت - به وجود آمدن حلقه‌های ارتباطات - بستر زد و بند در دانشگاه‌ها - اساس‌نامه‌های ارتقاء بر اساس زد و بند نه منطبق بر اجتماعات علمی - مشاهده رویه‌ها و پروسه‌های ثروت‌اندوزی در آئین‌نامه‌های دانشگاهی - آئین‌نامه‌هایی که استاد را تبدیل به کارمند دلال می‌کند - نبودن عنصر آزادی در بین دانشگاهیان - عوض شدن برنامه‌ها بر اساس عوض شدن ریاست جمهوری - دادن سهمیه‌های مثل بنیاد شهید به دانشگاه - غلط بودن برنامه زیرساخت‌ها - حلقه مفقوده بین صنعت و دانشگاه - بازی‌های سیاسی در دانشگاه - امور پر قدرت سیاست و جریان‌های امنیتی در دانشگاه - نداشتن شفافیت لازم آئین‌نامه‌ها - زمینه‌های سیاسی حاکم بر دانشگاه - خصوصی‌سازی
	اقتصادی	تخصیص نادرست منابع مالی - عدم اختصاص بودجه‌ی لازم و کافی به حوزه‌ی آموزشی - فشار ناشی از کمبود بودجه دانشگاه‌ها - حقوق کم اساتید - مسائل و چالش‌های اقتصادی - کاهش اعتبارات

		دانشگاهی- وجود بحران اقتصادی در دانشگاه‌ها - متوسل شدن دانشگاه برای جبران اقتصاد به دانشجویان پولی و دانشجو در دوره شبانه و پردیس- حقوق و مزایای کم اساتید- ساختارهای اقتصادی- بازی‌های اقتصادی در دانشگاه- عوامل اقتصادی حاکم بر دانشگاه- سازوکارهای غلط حوزه اقتصادی - ساختارهای اقتصادی نادرست- وضعیت اقتصادی فرد- نابرابری در تخصیص‌های دانشگاهی و بودجه‌های دانشکده- عوامل اقتصادی- مشکل در نظام اقتصاد- وضع بد معیشتی و رفاهی در کل جامعه و همچنین جامعه اساتید و دانشگاهیان- وضعیت بد اقتصادی جامعه - کاهش بودجه دولتی در آموزش عالی و تأمین این بودجه بر دوش خود دانشگاه.
	مدیریتی	پاسخگو نبودن نهادهای دانشگاهی - فعال نبودن هیات ممیزه دانشگاه‌ها- نبود قانون استناداری در مورد جذب اساتید هیات علمی - سهمیه‌های خاص در جذب دانشجو یا استاد هیات علمی برای گروه خاصی- زیاد شدن اندازه کلاس - زیاد شدن حجم کارهای کارمندان - فشار کاری اداری و مدیریتی دست و پاگیر اساتید- فقدان ضعف نظارت سازمانی و نظارت نهادهای متولی امر میارزه با فساد- فقدان و ضعف شایسته‌سالاری- روش‌های غلط ارزیابی- عدم نظارت کافی بر آزمون‌های دانشگاهی- فقدان آموزش و آگاهی در مورد فساد- نبود نظارت کافی بر عملکرد اساتید در کلاس درس- تشکیل فساد توسط نیروهای دانشگاه- نگاه‌های تبعیض‌آمیز به حوزه‌های مثل علوم انسانی و یا فنی و یا دانشکده‌ها- نبود نظام خودکنترلی در دانشگاه‌ها.

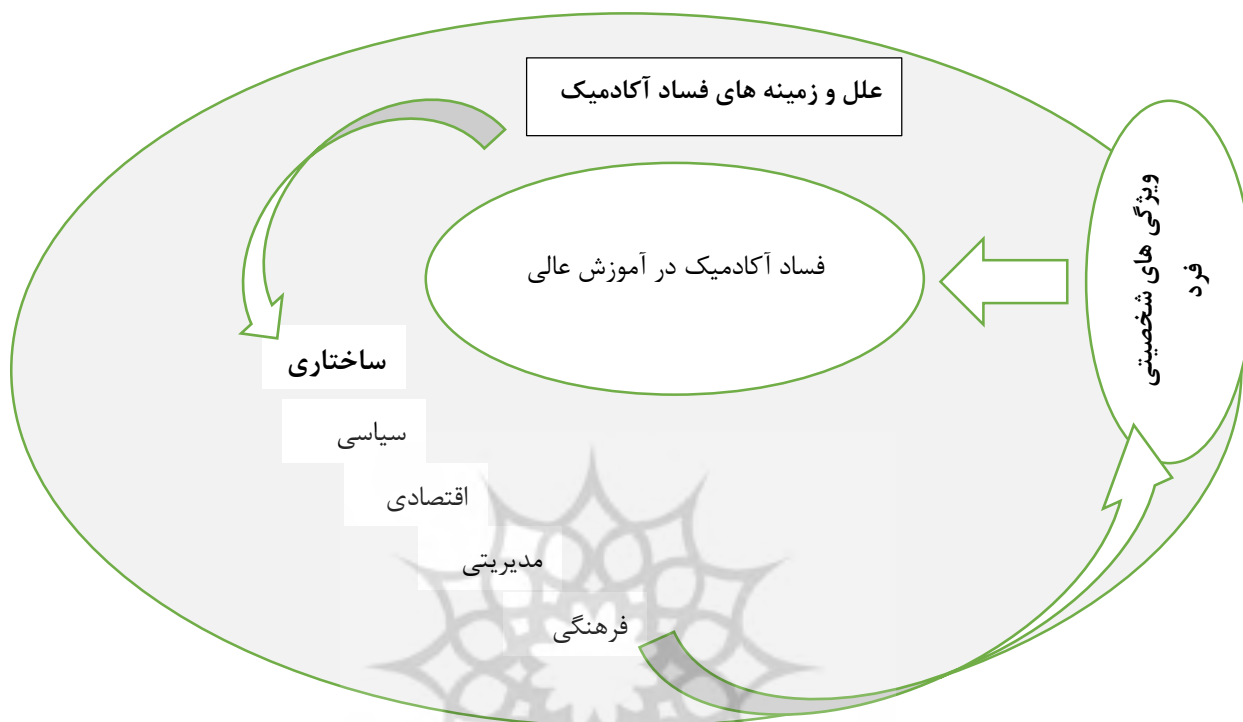
		فرهنگی	حاکمیت فرهنگ تجاری شدن و سودآوری دانشگاه‌ها- عارضه فرهنگی و مدرک گرایی، خلبه فرهنگ مدرک گرایی- - دلا یل فرهنگی- تغییر در نوع نگرش حاکمیت به مسئله علم و آکادمیک و مسئله دانش بعد از انقلاب - تغییر نگرش و رابطه‌ای ارزش و دانش- جایگزین کردن تمدن اسلامی یا تمدن نوین اسلامی به جای توسعه - رشد ارزش فرهنگ کار نکردن و به ارتقاء و مقام رسیدن- فرهنگ و ارزش حاکم بر جامعه برای دکتر گفتن به افراد- احترام کم گذاشتن به کنشگران دانشگاهی - عادی شدن کج رفتاری و فساد در دانشگاه - ساختارهای فرهنگی - نبود فرهنگ تخصص گرایی در پژوهش- عدم حساسیت عمومی نسبت به فساد و همه گیری و عادی سازی - فرهنگ رایج مدرک گرایی- فرهنگ غلط ارتقاء در دانشگاه میان استادان - فرهنگ بها دادن به مدرک و ارتقاء و سطح استاد تمام و دانشیاری - گرایش به عنوان دانشیاری نه توسعه دانش - روابط فرهنگی و تغییر فرهنگ‌ها- گرفتار بودن دانشجویها به دیدگاه مدرک گرایی- حاکمیت پارادایم موفقیت در بین کنشگران به هر قیمتی- مدرک گرایی- رایج شدن و عادی شدن داده سازی و عدد سازی - رایج شدن و عادی شدن داده ترجمه متون و مقالات خارجی- رایج شدن و عادی شدن داده سرقت علمی و کپی پایان نامه‌های خارجی و داخلی. افت اخلاق در افراد و جامعه به طور کلی و در میان جامعه دانشگاهی به ویژه در میان استادان و دانشجویان- وضعیت نادرست هنجارها و ارزش‌ها حاکم بر سبک خانواده فرد- عوامل اعتقادات و باورهای فردی - نداشتن اخلاق فردی در کارهای پژوهشی - وجدان کاری افراد دانشگاهی - فراموش کردن انسانی اخلاقی و منشی که اساس آرمان و
--	--	--------	---

			رسالت دانشگاه در تمام جهان است - کاهش منش استادان - نبود تربیت اخلاق اجتماعی افراد در دانشگاه - نداشتن افق روشن اساتید و آینده پژوهی - فشار هنجاری - هنجارهای علمی و اخلاقی حاکم بر محیطهای آموزشی - تضعیف اخلاق علمی فرد در محافل دانشگاهی .
		اجتماعی	شرایط بیرون از دانشگاه - نبود جامعه پذیری دانش جویان - عوامل اجتماعی - ازدحام جمعیت - ساختارهای اجتماعی - زمینه های اجتماعی حاکم بر دانشگاه - ساختارهای اجتماعی نادرست - دلایل محیطی - عقب افتاده بودن جامعه پذیری دانشجویان .

میانجی (فرد)	شخصیتی	عوامل شخصیتی و فردی - وضعیت روانی فرد - عوامل فردی و ویژگی‌های شخصیتی فرد - عوامل شخصیتی افراد - ویژگی‌های شخصیتی فرد - دلایل روانی اجتماعی - عوامل فردی و شخصیتی - شخصیت کنشگران دانشگاهی - ویژگی‌های فردی و شخصیتی فرد - قدرت تحت تأثیر قرار گرفتن دانشجویان استاد برای کار فساد - قدرت تحت تأثیر قرار گرفتن استاد از دانشجو برای کار فساد - وجدان فرد - نداشتن مرجعیت علمی اساتید و مقبولیت این مرجع علمی - نداشتن قدرت اجتهاد علمی اساتید.
--------------	--------	--

الگوی مفهومی و چارچوب نظری می‌تواند به فهم و درک بهتر فساد آکادمیک کمک کند لذا می‌توان زمینه‌ها و علل موجود برای وقوع پدیده فساد آکادمیک در آموزش عالی را در یک الگو تلفیق و طبقه‌بندی کرد. در نتیجه برای کارایی و اثربخشی سازی دانشگاه‌ها، سیاست‌گذاران و متصدیان آموزش عالی باید بر مبنای مسئولیت خود باید زمینه‌ها و علل این فساد را در نظر بگیرند باشد که گامی کوچک برای کاهش سطح فساد در دانشگاه‌ها و آموزش عالی برداشته شود. با در نظر گرفتن تمام کدهای فرعی و اصلی در جداول بالا الگوی مفهومی که در شکل ۱ ارائه شده است، طراحی شد. ذیلاً هر کدام از علل و سازوکارهای این الگو توضیح داده می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱: الگوی زمینه ها و علل فساد آکادمیک با میانجیگری ویژگی های شخصیتی فرد در آموزش عالی

علل و زمینه های الگوی فساد آکادمیک

همان گونه که در الگوی شکل ۱ دیده می شود، عنصر اصلی این الگو شامل مورد زیر است که در زیر توضیح داده شده است.

بعد ساختاری (سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، اجتماعی، فرهنگی)

عوامل ساختاری

ساختار در این پژوهش به معنی الگوی یا انگاره‌ی روابط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی است. در واقع بیشتر از آن که بخش خاصی مطرحیت پیدا کند، بافت یک مقوله کلان در این ساختارها نمایان می‌شود. که این ساختار و این بافت به گونه‌ای است که زمینه‌ای برای بروز رفتارهای فساد انگیز دانشگاهی ایجاد می‌کنند. این ساختارها شامل عوامل زیر است.

عوامل سیاسی: شامل هرگونه سوءاستفاده از قدرت و روابط سیاسی درون دانشگاهی و خارج دانشگاهی که سازو کارهای دانشگاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینه‌ای برای وقوع فساد می‌شود. از جمله عواملی که برای وقوع فساد آکادمیک در این زمینه می‌توان نام برد شامل دخالت شورای عالی انقلاب فرهنگی در سیاست‌گذاری دانشگاه - قدرت زیاد در یک نهاد- سیاست قدرت دولت در دانشگاه‌ها- سیاست‌گذاری‌های نادرست در دانشگاه- توده‌ای شدن آموزش عالی- سیاست کمیت گرایی در آموزش عالی- انواع سیاست‌گذاری‌های اشتباه در دانشگاه‌ها- گسترش بدون برنامه و بی‌رویه آموزش عالی و تکرار دانشگاه - فقدان استقلال دانشگاه‌ها- سیاست زده شدن دانشگاه‌ها- قوانینی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی در وزارت علوم دانشگاه‌ها- وجود اشکالات مختلف در آیین‌نامه‌ها و سیاست تصمیم‌گیری از بالا- نظام ارزیابی اعضای هیات علمی- تأثیر مخارب مسائل سیاسی و اعمال نفوذ سیاسی در دانشگاه‌ها- غلبه تمرکزگرایی بر کیفیت گرایی - نبودن سیاست‌های توسعه‌گرا می‌باشد.

عوامل اقتصادی: ساختارهای اقتصادی، انگاره‌های مالی و پولی و بودجه‌ای و عرضه و تقاضاهای مادی بین عناصر دانشگاهی می‌باشد که زمینه و علل فساد در دانشگاه را ایجاد می‌کند. از جمله عواملی که برای وقوع فساد آکادمیک در این زمینه می‌توان نام برد شامل تخصیص نادرست منابع مالی -عدم اختصاص بودجه‌ی لازم و کافی به حوزه‌ی آموزشی- فشار ناشی از کمبود بودجه دانشگاه‌ها- مسائل و چالش‌های اقتصادی - کاهش اعتبارات دانشگاهی- وجود بحران اقتصادی در دانشگاه‌ها - متوسل شدن دانشگاه برای جبران اقتصاد به دانشجویان پولی و دانشجو در دوره شبانه و پردیس - حقوق و مزایای کم اساتید- عوامل اقتصادی حاکم بر دانشگاه- سازو کارهای غلط حوزه اقتصادی - ساختارهای اقتصادی نادرست- وضعیت اقتصادی فرد- نابرابری در تخصیص‌های دانشگاهی و بودجه‌های دانشکده می‌باشد.

عوامل مدیریتی: شامل ضعف در تمامی سازو کارهای تصمیم‌گیری‌های دانشگاهی (نه استراتژیک) در سطح خرد و همچنین اجرای آن تصمیمات می‌باشد که برای هماهنگی امور اجرایی دانشگاه اتخاذ و اجرا می‌شود. و زمینه فساد در دانشگاه را فراهم می‌کند. ازجمله عواملی که برای وقوع فساد آکادمیک در این زمینه می‌توان نام برد شامل: به‌صورت انبوه دانشجو گرفتن - پاسخگو نبودن نهادهای دانشگاه - سهمیه‌های خاص در جذب دانشجو یا استاد هیات علمی برای گروه خاصی - زیاد شدن اندازه کلاس - زیاد شدن حجم کارهای کارمندان -- فقدان ضعف نظارت سازمانی و نظارت نهادهای متولی امر مبارزه با فساد. - پذیرش دانشجویان در مقاطع مختلف و با سهمیه‌های متنوع - فقدان آموزش و آگاهی در مورد فساد می‌باشد.

عوامل اجتماعی: عوامل اجتماعی شامل ماهیت طبقات جامعه و ساخت اجتماعی آن و ترکیب جمعیتی و عوامل نظیر آن می‌باشد که می‌توانند مکانیسم‌های دانشگاهی را تحت تأثیر قرار دهد. ازجمله عواملی که برای وقوع فساد آکادمیک در این زمینه می‌توان نام برد شامل شرایط بیرون از دانشگاه - نبود جامعه‌پذیری دانش‌جویان - عوامل اجتماعی - ازدحام جمعیت - ساختارهای اجتماعی - ریشه در سازوکارهای غلط محیط زیستی - زمینه‌های اجتماعی حاکم بر دانشگاه - ساختارهای اجتماعی نادرست - دلایل محیطی و اجتماعی ضعیف - عقب‌افتادگی جامعه‌پذیری دانشجویان می‌باشد.

عوامل فرهنگی: عوامل فرهنگی شامل تمامی الگوهای منشی، رفتاری، نگرشی و درمجموع کنش‌های جمعی است که به شکل مداوم در کنشگران دیده می‌شود و نمود پیدا می‌کند و تبدیل به یک سنت هنجاری خاص شده است. ازجمله علل و عواملی که برای وقوع فساد آکادمیک در این زمینه می‌توان نام برد شامل حاکمیت فرهنگ تجاری شدن و سودآوری دانشگاه‌ها - غلبه فرهنگ مدرک‌گرایی - تغییر در نوع نگرش حاکمیت به مسئله علم و آکادمیک و مسئله دانش - تغییر نگرش و رابطه‌ای ارزش و دانش - جایگزین کردن تمدن اسلامی یا تمدن نوین اسلامی به جای توسعه - فرهنگ و ارزش حاکم بر جامعه برای دکتر گفتن به افراد - احترام کم گذاشتن به کنشگران دانشگاهی - عادی شدن کج‌رفتاری و فساد در دانشگاه - ساختارهای فرهنگی ضعیف - نبود فرهنگ تخصص‌گرایی در پژوهش - عدم حساسیت عمومی نسبت به فساد و همه‌گیری و عادی‌سازی این مقوله و بسنده کردن به حمایت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی از اقدامات ضد فساد -

فرهنگ رایج مدرک گرایی- فرهنگ غلط ارتقاء در دانشگاه میان استادان - فرهنگ بها دادن به مدرک و ارتقاء و سطح استاد تمام و دانشیاری می باشد.

بعد میانجی فرد در بروز فساد

همان گونه که در الگوی شکل ۱-۴ دیده می شود، عنصر اصلی این الگو شامل ویژگی های شخصیتی فرد است که در وقوع فساد آکادمیک نقش میانجی دارد، در زیر توضیح داده می شود.

عوامل میانجی (شخصیت فرد)

داده های این پژوهش نشان داده است که تمامی ساختارهای یاد شده با واسطه گری شخصیت کنشگران دانشگاهی تأثیر گذار می باشد. به عبارت دیگر ساختارهای یاد شده با نقش میانجی شخصیت فرد تبدیل به کنش های کج روانه می شود. از جمله این نوع سوء رفتارهای شخصیتی می توان به عوامل شخصیتی و فردی - وضعیت روانی فرد- عوامل فردی و ویژگی های شخصیتی فرد- ویژگی های شخصیتی فرد و وجدان فرد- دلایل روانی اجتماعی- عوامل فردی و روان شناختی- شخصیت کنشگران دانشگاهی- ویژگی های فردی و شخصیتی فرد را نام برد.

بحث و تفسیر یافته های پژوهش

به اعتقاد محقق داده های این پژوهشی تعامل بین ساختار و عاملیت را نشان می دهد. که از دیرباز مورد توجه بسیاری از محققان و نظریه پردازان بوده است. بدین معنا که هم ساختار و هم خود فرد که به آن عامل می گویند در رقم زدن فساد دانشگاهی نقش مهمی ایفا می کنند. برجسته ترین کارها در این رابطه عبارت اند از نظریه ساختاربندی آنتونی گیدنز (۱۹۷۰)، تلفیق کنش و نظریه نظام ها به وسیله یورگن هابرس (۱۹۸۴) و ادغام کنش و ساختار از سوی مایکل هکتر (۱۹۸۳) برای مثال هکتر^۱ این واقعیت را می پذیرد که هنجارها و

^۱ Hector.

ساختارها تعیین کننده الزام‌هایی‌اند که تحت آن‌ها افراد مبادرت به کنش می‌کنند. و یا گیدنز در نظریه خود می‌گوید که "هر گونه بررسی تحقیقی در زمینه علوم اجتماعی یا تاریخ وقوع یک پدیده، به قضیه ارتباط تنگاتنگ کنش با ساختار مربوط است و می‌توان گفت که ساختار کنش را تعیین می‌کند و بالعکس" البته نظریه‌های گوناگونی درباره چگونگی تعامل ساختار و عاملیت مطرح شده‌اند اما آنچه که داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد ما را به پیش فرض‌های فکری اریک فروم^۱ یعنی پیش فرض انسان نهفته در بافت نزدیک‌تر می‌کند. در این رویکرد باور بر این است که انسان موجود دست‌وپا بسته‌ای در برابر ساختارهای محیطی و اجتماعی نیست و چنین نیست که فقط پاسخ‌های مکانیکی یا انگیزه‌ها و کشاننده‌های محیطی ارائه دهد و بنابراین نمی‌توان کورکورانه پیش فرض‌های فکری ساختارگرایی را پذیرفت از دیگر سو، برخلاف پیش فرض‌های فکری نظریه‌های کنش گران که بر این باور هستند که انسان خود سازنده جهان خویش است پیش فرض فکری انسان نهفته در بافت به نقش انسان به عنوان عاملی مهم در بافت اجتماعی توجه دارند. اما نه چنان اغراق گونه که هر آنچه در محیط اتفاق می‌افتد را ناشی از ادراکات و تفسیرها و نظام شخصیتی فرد بدانند اریک فروم بر این باور است در هر جامعه‌ای پیش از تولد فرد و پیش از ورود فرد به آن اجتماع، ساختارهای دوام و قوام یافته‌اند. آن ساختارها نیازمندی‌های خاص و ویژگی‌های خاصی دارند. و اعضای جامعه به تجربه در زندگی خود کشف می‌کنند که چگونه رفتارها و کنش‌های را انجام دهند که چگونه بتوانند در آن ساختار باقی بمانند. به این ترتیب افراد جامعه با کسب آن تجربه‌های مشترک خلق و خوی به دست می‌آورند که فرد به آن خوی اجتماعی می‌گوید.

خوی اجتماعی درواقع طرز تفکر، نگرش و رفتارهای است که در بین اعضای یک جامعه مشترک است. آنچه که این خوی اجتماعی را از خوی فردی که برگرفته از نشانگرهای شخصیتی و ویژگی‌های خاص هر فرد است جدا می‌کند درجه شیوع و تعمیم یافتگی آن خوی است. با تکیه بر این دیدگاه اگر فساد دانشگاهی و به‌طور کلی فساد شامل موارد معدود و محدودی باشد. به این ترتیب می‌توان با تکیه بر نظام شخصیتی عاملین فساد چرایی و چگونگی آن فساد را درک و کشف کرد اما زمانی که فساد شیوع گسترده‌تری پیدا کرد و بیش و کم به پدیده همه‌گیر و اپیدمی تبدیل شد. دیگر نمی‌توان به نظام شخصیتی فرد توجه داشت بلکه

^۱. Erich Fromm

باید ویژگی‌ها و نیازمندی‌های آن ساختار را ملاحظه کرد تا متوجه شد که فساد چرا و چگونه اتفاق می‌افتد. حال با نگاهی به داده‌های سازمان شفافیت بین‌المللی طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ دریافت که فساد در مجموع که شامل فساد دانشگاهی می‌شود در ایران به پدیده شایع و گسترده‌ای تبدیل شده است و بنابراین لازم است ساختارهای که زمینه این خوی اجتماعی شده‌اند واکاوی و شناسایی شوند. بر همین اساس بود که داده‌های پژوهش نشان داد که مجموع ساختارهای اقتصادی، سیاسی، مدیریتی، فرهنگی، اجتماعی به این فساد دامن زده‌اند. جالب‌تر آن که تحلیل دقیق‌تر داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه فرد می‌تواند به این ساختارها نه بگوید و رویکرد متفاوت‌تری را پیشه کند اما این رفتارها نادرتر و محدودتر است. برای تأیید این ادعا از تعداد افراد مصاحبه‌شونده که در مورد عامل‌های و زمینه‌های فساد آکادمیک انجام شد تعداد ۱۱ نفر ساختار را عامل تعیین‌کننده فساد دانشگاهی دانستند و تنها ۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان به مسئله فرد توجه داشتند. افزون به این تحلیل کمی، تحلیل بافتی یا تماتیک این داده‌ها نشان می‌دهد که هرگاه که مصاحبه‌شونده از نقش فرد صحبت می‌کردند فرد را در بافت اجتماعی کلان‌تر در نظر داشتند به عبارت دیگر این مصاحبه‌ها حاکی از آن نبود که فرد به تنهایی نمی‌تواند در مقابل این ساختار قد علم کند و یا ساختار ساز شود بر این نشان داده‌های مربوط به مصاحبه شماره ۴ و ۸ به این مورد اشاره می‌کند. "فک می‌کنم که مسئله اصلی برمی‌گردد به عوامل ساختاری، نبودن نظارت کافی، فقدان الگوهای مطلوب یا فقدان یک نظام شایسته‌سالار می‌تواند زمینه‌های فساد دانشگاهی را فراهم کرد. وقتی آدم‌های غیر شایسته وارد سیستم دانشگاهی می‌شود طبیعتاً نقش بیشتری برای فساد دارند. عوامل فردی و شخصیتی هم می‌تواند در این بافت کلان تأثیرگذار باشد اما به نظرم نقش عوامل ساختاری خیلی پررنگ‌تر می‌باشد." و "در وجود افراد هم گرایش بدی و خوبی هست. طبیعتاً افراد عمده افراد حالت نرمال دارند و درصددی هست که رعایت نمی‌کنند و این برمی‌گردد به ویژگی‌های فردی افراد اما اگر یک مسئله از حالت فردی بیرون بیاد و به جامعه شیوع پیدا کند و بحث فرهنگی به خودش بگیرد. و این برمی‌گردد به ساختار و قوانین. آئین‌نامه درست نوشته شوند افراد انتخاب برای اجرا درست باشد و نظارت و پاسخگویی هم باید باشد. ما در بعضی از زمینه‌ها آئین‌نامه داریم خوب هم هست اما نظارت در اجرا وجود ندارد. و این ساختار کلان جامعه مثلاً سیاست‌گذاری‌ها، اقتصادی و اجتماعی وجود داشته باشد. فضای فرهنگی جامعه اگر مشکل پیدا کند استاد هم درگیر می‌شود."

این داده‌ها در واقع در راستای نظریه‌های است که به بررسی نظام انگیزشی یا اخلاقی افراد جامعه نیز پرداخته‌اند. و به نوعی این نظریه‌ها نیز نشان داده‌اند که به راحتی نمی‌توان در مقابل ساختار قد علم کرد و ساختار متفاوت خلق کرد در همین راستا کلبِرگ^۱ در پژوهش‌های خود نشان داده است که تنها ۱۰ درصد افراد جامعه می‌توانند به سطوح اخلاقی پس قراردادی که مبتنی بر قوانین جهان‌شمول اخلاقی است دست پیدا کنند. مازلو^۲ نیز آمارها را برای افراد خودشکوفامطرح می‌کند و نشان می‌دهد که افراد نادری هستند که بتوانند به سطح خود شکوفایی برسند.

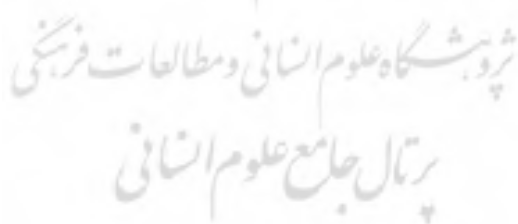
داده‌های این پژوهش از جنبه یا دیدگاه اهمیت تحلیل دارد و آن از نگاه آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری است. آنچه در سازمان و به طور کلی نظام اجتماعی کشورمان به چشم می‌خورد آن است که غالب سیاست‌های مبارزه با فساد و فساد دانشگاهی بر فرد فاسد متمرکز شده است و حتی سیاست‌گذارانی که نگرش‌های بسیار خیرخواهانه‌ای درباره پیشبرد امور اجتماعی و دانشگاهی داشته‌اند. بیشتر تلاش کرده‌اند که به قلع و قمع افراد درگیر فساد پردازند، گویی که با برکنار کردن و یا حذف آن‌ها از صفحه کنش‌های اجتماعی و دانشگاهی مسئله فساد برطرف می‌شود. غافل از آن‌که ریشه‌های فساد بیشتر در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره وجود دارد. بنابراین تا وقتی که آن ساختارها شناسایی، کشف و کنترل نشوند برکناری و تسویه حساب‌های گسترده با افراد مظنون به فساد از جمله فساد دانشگاهی آب در هاون کوبیدن است.

از آنجا که کنترل این ساختارها مستلزم تغییر ساختار می‌باشد، در دنیای سیاسی به چنین فرایندی نوسازی گفته می‌شود. به این معنی که ساختارهای قدیمی، ضعیف شده و کنار گذاشته می‌شود. و ساختارهای جدید بنا و نهاده می‌شود شایان ذکر است که این نوسازی بسته به ساختار اجتماعی جامعه و ظرفیت‌ها و محدودیت‌های آن متفاوت‌تر و منحصر به فرد می‌باشد به عبارتی شیوه نوسازی هر جامعه شیوه خاص آن جامعه است. و بنابراین شیوه نوسازی که برای مثال در کشور ژاپن یا انگلیس اثربخش بوده را نمی‌توان در جامعه ایرانی یا سازمان‌های آن به کاربرد. تشخیص این شیوه مستلزم شناسایی بافت‌ها و ساختارهای جامعه ایرانی و همچنین درک ژرفی از تاریخ روابط اجتماعی و فرهنگی ایران است. با تکیه بر این تاریخ می‌توان

^۱. Kleberg

^۲. Maslow

دریافت که از آنجا که نهادهای مدنی و طبقه‌های اجتماعی ضعیفی در جامعه ایران وجود داشته است. شیوه‌های دموکراتیکی که در انگلیس یا آمریکا اثربخش بود، در ایران چندان کارآمد نیست. چرا که نوسازی دموکراتیک به توازن و توزیع قدرت بین نهادهای اجتماعی، گروه‌های سیاسی و طبقه‌های اجتماعی متکی است و از آنجا که این نهادها در جامعه ایرانی ضعیف و پراکنده است هرگاه توزیع قدرتی اتفاق افتاده نتیجه آن بیشتر هرج و مرج بود تا گفتمان دموکراتیک. تاریخ ایران نشان داده است که با تکیه بر سیستم سیاسی قدر و قدرت که دارای بروکراسی مدرن و مدون و کفایت سیاسی و مدنی بالا است می‌توان نوسازی‌های ژرفی در جامعه ایران انجام داد. این نوسازی اگرچه شامل تدابیر و راهکارهای مختلف در عرصه‌های مختلف می‌شود اما آنچه که مربوط به نهادی اجتماعی مثل دانشگاه می‌شود دو نکته است: ۱- ایجاد بروکراسی‌های کارآمد و دقیق (۲) ایجاد سیستمی پاسخ‌گو در سازمان‌ها به‌ویژه نهادهای دانشگاهی.



منابع

- اجاقی رضوان؛ کیوان آرا محمود؛ سهرابی مظفر و پاپی احمد. (۱۳۹۰). تحلیل آسیب‌شناسی تقلب و سرقت علمی بر اساس یک تحقیق کیفی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ویژه‌نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت.
- پور عزت علی‌اصغر، قلی پور آرین، الهام حیدری، سعیدی نژاد مجید. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل مؤثر و پیامدهای رفتارهای غیردانشگاهی در میان استادان دانشگاه. خلاق در علوم و فناوری، سال هفتم، شماره ۲. ص ۱-۱۳.
- توکل محمد؛ ناصری راد محسن. (۱۳۸۸). دستبرد علمی با تبیینی از جامعه‌شناسی علم، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۴(۳و۴)، ۱-۱۶.
- حسینی هاشم زاده، داود (۱۳۹۸). فساد دانشگاهی (گونه‌شناسی، روش سنجش، علل، پی آمدها و راهبردهای مبارزه با آن). تهران انتشارات آگاه، چاپ یکم: پاییز ۱۳۹۸.
- زمانی بی‌بی عشرت؛ عظیمی سید امین و سلیمانی نسیم. (۱۳۹۲). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر سرقت علمی دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۹ (۱): ۹۱-۱۱۰.
- ستوده هدایت. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران، انتشارات آوای نور.
- عباسی آیدین؛ دوستی مرتضی و زایر بهنام. (۱۳۹۴). راه‌های پیشگیری و انواع سوء رفتارهای علمی، مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، ۲(۷)، ۵۵-۶۱.
- قائدی مریم؛ مدهوشی مهرداد؛ رزاقی نادر و صفایی عبدالحمید. (۱۳۹۷). علل و زمینه‌های فساد دانشگاهی و پیامدهای ناشی از آن. فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۴، شماره ۱۰، ص ۱۱۳-۱۳۵.
- قائدی مریم؛ مدهوشی مهرداد؛ رزاقی نادر و صفایی عبدالحمید. (۱۳۹۷). گونه‌شناسی فساد علمی و ارتباط آن با سیاست‌های علم و فناوری در حوزه علوم انسانی ایران. پایان‌نامه‌ی دوره دکتری در رشته مدیریت-سیاست‌گذاری علم و فناوری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران.
- گیدنز آنتونی؛ کارن بردسال. (۱۹۳۸). جامعه‌شناسی با تجدیدنظر کامل و روزآمد شده. (ترجمه حسن چاوشیان). تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.
- گیدنز آنتونی؛ کارن بردسال. (۱۹۳۸). جامعه‌شناسی با تجدیدنظر کامل و روزآمد شده. (ترجمه حسن چاوشیان). تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.

نظرسنجی فساد در سطح کلان (گزارش نهایی ارزیابی فساد، ۲۰۰۶، ایالات متحده).

References

- Chen, S., & Macfarlane, B. (2015). Academic integrity in China. *Handbook of Academic Integrity*, 99-105.
- Creswell J. w. (2012). *Educational research: planning, conducting and evaluating quantitative and qualitative research*. (Fourth edition). Pearson. Boston.
- Denisova-Schmidt, E., Huber, M., & Leontyeva, E. (2016). On the development of students' attitudes towards corruption and cheating in Russian universities. *European Journal of Higher Education*, 6(2), 128-143.
- Dong, B., & Torgler, B. (2013). Causes of corruption: Evidence from China, *China Economic Review*, 26, 479-503.
- Dridi, M. (2014). Corruption and education: Empirical evidence. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 4, 476-493.
- Heyneman, S. (2011). The corruption of ethics in higher education. *International Higher Education*, (62), 8-9.
- Heyneman, S. P. (2004). Education and corruption. *International Journal of Educational Development*, 24(6), 637-648.
- Keller, M. (1978). Corruption in America: Continuity and Change. In A. Eisenstadt, A. Hoogenboom, and H. Trefousse (Eds.), *Before Watergate: Problems of Corruption in American Society*. Brooklyn, NY: Brooklyn College Press.
- Osipian, A. (2009). Corruption and reform in higher education in Ukraine. *Canadian and International Education Journal*, 38(2).
- Osipian, A. (2009). Corruption in the higher education industry: Legal cases in the context of change. *Paper presented at the Annual Conference of the University Council for Education Administration (UCEA), Anaheim, CA*.
- Osipian, A. (2009). Grey areas in the higher education sector finance: Illegality versus corruption. *Paper presented at the Annual Meeting of the American Education Finance Association (AEFA), Nashville, TN*.
- Osipian, A. (2009). Investigating corruption in American higher education: *The methodology*. *FedUniJournal of Higher Education*, 4(2), 49-81.
- Osipian, A. (2013). "Recruitment and admissions: fostering transparency on the path to higher education", Global Corruption Report: *Education, Transparency International*, pp. 148-155.
- Osipian, A. (2013). "Will bribery and fraud converge? Comparative corruption in higher education in Russia and the USA", *Compare: A Journal of Comparative and International Education* 10.1080/03057925.2012.7283741 DOI.
- Otengho, S. J. (2016). *Government Official's Perspective on Regulatory Mechanisms to Mitigate Unabated Corruption in the Education Sector in Kenya: A Case Study* (Doctoral dissertation, Northcentral University).

Academic Corruption, Structure or Agency: A Reflection on the Views of Experts and Researchers in this Field in Iran

jamal salami^{1*}, keostan mohammadian sharif²

Abstract

Objective: Considering the important role and correct performance of universities in society, the aim of this study is to investigate the structural roots of academic corruption in the Iranian higher education system from the perspective of experts and professors with an interpretive approach. **Method:** Applied research approach in this research, it is qualitative and the method of the Foundation's data theory method based on Emerging Design was used to perform research operations. Data from this study were collected using open interview method. The sampling method used in this study is a purposeful sampling method and snowball and using the theoretical saturation index, 15 professors and experts were interviewed as the study population. Their attitudes and views on how academic corruption occurs in Iranian higher education were examined. **Findings:** Background theory has been used to analyze the data and draw conclusions from the research findings. The main findings of this study using contextual theory included structural roots such as economic, managerial, cultural, social and political roots. Finally, using research findings, a model called the Structural Factors Model of Academic Corruption was presented.

Keywords: Academic Corruption , Higher Education

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ . Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

². PhD in Higher Education Development Planning, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.